

پاینده ایران



چرا شرکت در امر تصویب ملی ششم بهمن را تحریم نکردیم
چرا با لوایح ششگانه موافق مشروط میباشیم

نظرات انتقادی و تکمیلی
حزب پان ایرانیست
در باره لوایح ششگانه

00752 *آرشیو ملی ایران*

Archiv für Forschung und Dokumentation Iran e.V.

AFDI, Waldemarstr. 36, 10999 Berlin Tel/Fax 030-61403948



متن اعلامیه مورخه ۲۷ ر ۱۰ ر ۱۳۰۴

پاینده ایران

حزب پان ایرانیست در مورد تصویب ملی ششم بهمن موافق مشروط است

بلحاظ آنکه خلع یدازارباب و پایان دادن بدوران مالکیت
بزرگ از نظر ما در ایجاد تحول اجتماعی تأثیر بسزائی دارد و
بلحاظ آنکه حزب پان ایرانیست معتقد بایجاد این تحول و
دگرگونی بوده و میباید گواینه که لایحه اصلاحات ارضی و ملحقات
آن دارای پارهائی نواقص است از جمله آنکه تحولات کشاورزی
را در مسیر رشد سریع اقتصادی تأمین نمیکند و با اصراری که
در حواشی اجرای این طرح برای تبدیل دهقانان ایران بجامعه
غیر قابل تحول و تغییر بعمل آمده است با سیر ناسیونالیسم ایران
مفایرت دارد و گواینه که پنج طرح دیگر بیکه بتصویب ملی گذاشته
شده است آنچنان توانائی ایجاد تحول و دگرگونی در زمینه های
اجتماعی ندارد که هم سنگ و هم طراز لایحه تقسیمات ارضی محسوب
گردد و گو اینکه بدون خلع ید از عوامل فاسد و منحرف و کهنه
هیئت حاکمه ایران و استقرار یک حکومت ناسیونالیست وصول

بنظام شایسته ملت ایران ممکن نیست ولی بلحاظ آنکه لایحه تقسیمات ارضی را با پنج طرح دیگر یکجا مورد تصویب ملی قرار خواهند داد و بجهت آنکه کوشش برای عدم بازگشت بوضع سابق مالکیت ارضی ایجاب میکند با نهایت قدرت از امر تقسیم اراضی که بنظر ما حداقل یک قدم بجلو محسوب میگردد پشتیبانی شود حزب پان ایرانیست بخاطر حمایت و پشتیبانی از این گامی که بجلو برداشته شده است در امر تصویب ملی پاسخ آری خواهد داد و بدین ترتیب با توجه بمراتب مذکوره در فوق موافق مشروط میباشد

کمیته عالی رهبری حزب پان ایرانیست

۴۱/۱۰/۲۷

یابنده ایران

هم میهنان - زنان و مردان آزاده ایران زمین

همانطوری که میدانید حزب پان ایرانیست در تاریخ ۱۰/۲۷/۴۱ با انتشار اعلامیه‌ای نظر موافق مشروط خود را باشش طرحی که در روز ششم بهمن ماه به تصویب ملی گذارده شد اعلام داشته بود و بدین ترتیب حزب مانخستین سازمان سیاسی کشور بود که صریحاً در مورد امر تصویب ملی نظر خود را ابراز نمود .

اعلامیه مورخه ۱۰/۲۷/۴۱ (که متأسفانه دو روزنامه معتبر عصر، کیهان و اطلاعات با حذف قسمت‌های عمده و اساسی، متن سروپاشکسته‌ای از آن راجح نموده بودند) آنطور که باید و شاید اثر خود را در اجتماع ما باقی گذارد - حزب پان ایرانیست با انتشار این اعلامیه نشان داد که درد قایق حساس با توجه به آرمان‌های ناسیونالیستی ملت ایران آنطور که بایسته است به بررسی مسائل اجتماع ما میپردازد و مشعل روشن گرناسیونالیسم را فراراه مردم این سرزمین قرار میدهد .

اما در این میان بدنبال انتشار اعلامیه ۲۷/۱۰/۴۱ دو گروه بما خرده گرفتند. گروهی را عقیده بر این بود که چرا حزب پان ایرانیست که همواره پرچمدار نبرد برضد نظام سیاه حاکمه میباشد شرکت در امر تصویب ملی روزششم بهمن ماه را نه تنها تحریم ننمود بلکه پاسخ آری نیز داد و گروهی دیگر بما ایراد گرفتند که چرا حزب پان ایرانیست با وجود شرکت در امر تصویب ملی و دادن پاسخ آری موافقت خود را موافق. مشروط اعلام نمود و طرح های ششگانه را یکجا و درست مورد تأیید قرار نداد؟

برای آنکه ایراد این دو گروه برخط مشی متخذه از طرف حزب بدون پاسخ نمانده باشد بطور اجمال بایراد هر يك از این دو گروه پاسخ میدهیم :

۱- چرا نه تنها شرکت در امر تصویب ملی ششم بهمن

ماه را تحریم ننمودیم بلکه پاسخ آری نیز دادیم؟

حزب پان ایرانیست همیشه معتقد بمبارزه اصولی بوده است.

اتکاء با اصول و مبانی ناسیونالیسم ایران و توجه بآرمانهای ناسیونالیستی ملت ایران تنها معیار و ملاک سنجش هر مسئله اجتماعی از نظر حزب آرمانخواه مامیباشد.

از آنجا که ما پان ایرانیستها جز بمصالح ملت خود نمیانندشیم و جز اصیل دانستن خواستههای ملت ایران و بزرگداشت روشهایی که ملت ایران را به آرمانهای تاریخی و اجتماعی خود نزدیک میکند اتخاذ شیوه و روشی دیگر را جایز نمیدانیم. در هر هنگام، با هر ندا و هر آهنگ و اقدامی که ملت ایران را حتی برای يك گام

به آرمانهای تاریخی و اجتماعی خود نزدیک کند هم صدا و هم
آهنگ میگردیم .

برای ما هرگز این مسئله مطرح نیست که روشها و راهها
را با تکیه ارائه دهندگان آن روشها و راهها تأیید و یا مردود اعلام
کنیم. چه بسا ممکن است با قسمتی از برنامه و یا اقدام یک سازمان

سیاسی و یا نیروی اجتماعی دیگر بلحاظ آنکه تشخیص میدهیم
آن قسمت از برنامه و یا آن اقدام هم آهنگ با نیازهای ناسیونالیستی
ملت ایران است موافقت خود را ابراز داریم و برای اجرای
آن نیز از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نورزیم ولی با قسمتی دیگر از
برنامه همان سازمان سیاسی و یا با اقدامی دیگر که از طرف همان
نیروی اجتماعی واقع میگردد همصدا و همراه نباشیم .

سبب و جهت اتخاذ این روش بخوبی پیداست . زیرا وقتی
یک حزب سیاسی که از مکتب فکری بخصوص الهام گرفت و وقتی
کوشش ما بخاطر اجرای پرنسیب مقدس و آرزوهای باشکوه
ناسیونالیسم تاریخی و اجتماعی ایران میباشد، آنگاه خارج از
چهارچوب حزبی که متکی بر این پرنسیب و تنها سنگر رزمندگان
اجرای این آرمانهای باشکوه میباشد، کسی دیگر و نیروی دیگر
نمیتواند در بست مورد قبول و حمایت ما واقع گردد .

با این وجود با ستاد تاریخ پانزده ساله حزب پان ایرانیست
رزمندگان حزب برومند ما همیشه بدون اتکاء بهر گونه خود
خواهی سیاسی و سازمانی از هر اقدام و هر جنبشی که در راه مصالح
ملت ایران و آزادی مردم این سرزمین صورت گرفته است
جانانه و سرسختانه حمایت نموده اند .

مبارزات دلیرانه رزمندگان پان ایرانیست در صفحات تاریخ

درخشان و پرافتخار نهضت ملی ایران و حتی جانبازی سربازان

دلیر پان ایرانیست در حماسه عظیم و ناسیونالیستی ملی شدن نفت

در سراسر ایران هرگز از خاطرها محو نمیگردد .

يك بررسی اجمالی و متکی باندکی انصاف نشان میدهد

که مبارزات و کوششهای اجتماعی پانزده سال اخیر ملت ایران

همواره مشحون از گامهای استوار و بررسیها و داوریهای دقیق و

واقع بینانه حزب پان ایرانیست بوده است .

نکته دیگر اینکه، حزب پان ایرانیست در مورد بررسی

حوادث و انتخاب روش همواره با آگوییسم سیاسی و خودخواهی

های سازمانی جنگیده است . و هیچگاه شرط لازم را برای آن

که اقدام و یا جنبش و تلاشی مفید حال مملکت و مردم باشد این

امر قرار نداده لیم که آن کار و اقدام و یا جنبش و کوشش از طرف

حزب ما انجام گیرد و رهبری شود .

بنظر ما هر اقدام و هر کوشش و تلاشی تا آنجا که هم آهنگ

با سیر ناسیونالیسم ملت ایران و منطبق با نیازهای تاریخی و

اجتماعی ملت ایران باشد، خوب و قابل دفاع میباشد و بهمین

ترتیب هر اقدام و کوششی که معارض با سیر ناسیونالیسم ایران و

مباین با خواسته های ناسیونالیستی ملت ایران باشد مردود و غیر

قابل قبول خواهد بود و حال این اقدامات و کوششها از طرف

هر کس و هر نیروی اجتماعی صورت گیرد برای ما فرق نمیکند.
موضوع اعلام موافقت مشروط با طرح‌های ششگانه و شرکت
در امر تصویب ملی و دادن پاسخی نیز مشمول اصول و قواعد
همین بررسی توأم با روشن بینی است .

ما پان ایرانیست‌ها از ابتدا برای ایجاد ایرانی نو که
آباد و آزاد و نیرومند باشد، نبرد را آغاز کرده‌ایم - بنظر ما
نظام فاسد حاکمه متجاوز از یک قرن و نیم است که ملت ایران را
میان تار و پود خود اسیر و در بند نموده است - نظام سیاه حاکمه
سبب همه تیره روزیها، شکست‌ها و ضعف و پریشان خاطرگی ملت
ایران میباشد - نظام حاکمه سبب گردید که حقوق بسیاری از
ملت ایران بدست استعمارگران چپاول گردد - این نظام سیاه
حاکمه، حکومت جا برانه خود را برگرده‌های مردم اسیر و
زنجیر شده این مملکت قرار داده است. این نکته نیز باید بیان
گردد بنظر ما هنگامیکه سخن از نظام و یاهیت حاکمه بمیان
می‌آید، منظور فقط دولت‌ها نیستند بلکه دولتها جزئی از وجود
وسیع نظام حاکمه میباشند - نظام حاکمه هم بسته‌ای از تمام آن
نیروها و گروهائی است، که حیات و زندگی خود را در جهت
مخالف با خواسته‌ها و نیازهای ملت ایران تأمین و جستجو میکند
این هم بسته که با آثار ناروای تسلط و حکومت جا برانه خود
مشکل اجتماع یکصد و پنجاه سال اخیر ایران را بوجود آورده
است نظام حاکمه میباشد .

بنظر ما سیستم مالکیت بزرگ و سایه سنگین و شوم و ثودالسم

از بارزترین چهره‌های نظام حاکمه ایران و یکی از محکم‌ترین

حلقه های سلسله زنجیر اسارت و بردگی ملت ایران بوده . بنا
براین حزب پان ایرانیست که معتقد است ایجاد نظام شایسته فردا
بدون درهم کوبیدن اساس نظام فاسد حاکمه ممکن نیست و سیستم
مالکیت بزرگ را نیز سر حلقه سلسله زنجیر اسارت ملت ایران
میشناسد، بی شک جز این راهی را بر نمیگزیند که هم آهنگ و
هم رأی از هم گسیختن این حلقه محرومیت و بردگی میلیونها
ایرانی و در نتیجه هم رأی کوبیدن این سنگر نخستین، نظام حاکمه
ایران باشد .

بنظر ما زمانیکه سیستم مالکیت بزرگ و کلیه آثار فرهنگی
و روانی و عقیدتی آن در روستاهای ایران از بن ریشه کن شود و
استثمار خانواده های ایرانی بر روی زمینی که در آن کار میکنند
از بین برود، یکی از استوارترین پی های بنای نظام حاکمه ایران
درهم فرو ریخته است . مهمتر آنکه این امر بدنبال خود تزلزل
و فرو ریختن پی ها و ستونهای دیگر بنای فرسوده نظام حاکمه
ایران را بارمغان خواهد آورد - چنانکه در همین چند روزه اخیر
آثار بسیار از درهم ریختن فشرها و سنگرهای دیگری از نظام
حاکمه ایران و زنجیر داران اسارت فکری ملت ایران مشهود
گردیده است .

بنابراین حزب پان ایرانیست که در راه آزادی مردم
این سرزمین میکوشد، همانگونه که بهر هنگام هر ندا و جنبشی را

که خواستار ازهم گسیختن رشته‌ای از زنجیرهای اسارت سیاسی و یا اقتصادی میهن ما و مردم سرزمین ما بوده است استقبال و حمایت بیدریغ نموده، جز پشتیبانی و تأیید از اقدام بسیار مؤثر تقسیمات ارضی روشی دیگر نمیتوانست اتخاذ کند. از سوی دیگر حوادث و وقایع نشان میداد که گروه مالکین بزرگ و گروه‌های دیگر نظام فاسد حاکمه که خواه و ناخواه بدنبال خلع ید از مالکین بزرگ باید از مسندهای قدرت و نفوذ و سیطره جا برانه و ظالمانه خود دست بردارند دست‌اندرکار کارشکنی‌ها و کوشش برای رجعت بوضع سابق بوده وهستند .

بنظر ما مراجعه بآراء مردم این سرزمین برای تأیید تقسیمات و اصلاحات ارضی که در واقع رأی مردم برای واژگونی قوی ترین ستون نظام حاکمه ایران یعنی سیستم مالک بزرگ بود اقدامی بسیار مؤثر برای جلو گیری از بازگشت بوضع سابق میباشد .

هر چند بنظر حزب پان ایرانیست پنج طرح دیگر که به تصویب ملی گذارده شد به آن پایه از اهمیت نیست که بتواند هم سنگ با لایحه تقسیمات ارضی محسوب گردد و هر چند لایحه تقسیمات ارضی و بخصوص جنبه های اجرائی آن و نیز دیگر لواحق پنجگانه خالی از پاره‌ای ایرادات نمیشد و کافی از برای منظورهای پیش‌بینی شده در آن لواحق بنظر نمیرسد ولی آنچه که بالاتر و مهمتر از این بحث‌ها بوده وهست موضوع تغییر سیستم مالکیت در ایران است که خواه ناخواه شکل جامعه ما را بسوی ملت ایران تغییر خواهد داد و این تغییر شکل بطور قطع نمیتواند بسود نظام حاکمه باشد که یکصد و پنجاه سال است ملت ایران را در

اسارت و بردگی نگه داشته، بنابراین قبل از هر چیز حزب پان
ایرانیست بخاطر آنکه موضوع تقسیمات ارضی را در ایجاد این
تحول بسیار مؤثر میدانند، و بخاطر آنکه شدیداً معتقد بلزوم ایجاد
تحول و تغییر شکل جامعه ایران میباشد، عقیده داشت باید در امر
تصویب ملی شرکت نمود و پاسخ آری داد .

نکته مهم دیگر این است که بدنبال تحولات اخیر و بویژه
با تقسیم ارضی و خلع ید از مالکان بزرگ و وسیع ترین توده های مردم
ایران که تا کنون بعلت وضع خاص سیستم مالکیت بزرگ در
میدان مبارزات اجتماعی سهمی و پایگاهی نداشته، آزاد شده و
بهر حال در مبارزات اجتماعی آینده ایران نقش بسیار مؤثری را
بعده خواهند داشت - از نظر استقبال مبارزات اجتماعی این
وسیع ترین توده های ملت ایران اکنون تازه نفس و دارای امید
و آرزوی بسیار توأم با اطمینان به پیروزی میباشد، بخصوص
که این نیروی متحرک عظیم با نیروی توده های وسیع کارگری
که از آن حالت رکود چندین سال گذشته خارج شده و بصورت
توده های متحرک جدیدی درآمده اند همدوشی بسیار یافته است .
برای سازمان های سیاسی که جنبش های اجتماعی را رهبری
میکنند و روح مبارزات سیاسی را بجامعه ما میدمد برقراری
ارتباط با این توده های وسیع دهقان و کارگری از مهمترین وظائف
آنان و حتمی ترین روش و تاکتیکی بود که باید رهبری این
سازمانهای سیاسی مورد نظر قرار میدادند .

آیاچه کسانی روستاهای آزاد شده را بمبارزات اجتماعی

رهنمون خواهند شد ؟ چه کسانی توده‌های وسیع دهقان و کارگر
را که اکنون بصورت عوامل فعاله مبارزات اجتماعی درآمده‌اند
بمیدان مبارزات سیاسی هدایت خواهند کرد .؟ اینهاست جهاتی
که باید سازمانهای سیاسی موقعیت را درك میکردند و با ارزیابی
درست نسبت به تحولاتی که در کشور مارخ داده و یاد در شرف وقوع
است در اتخاذ روشهای خود این توده های عظیم آزاد شده
دهقانی و توده‌های وسیع و متحرك کارگری را بحساب می‌آوردند .

ما صریحاً اعلام میکنیم هر گونه ارزیابی که بدون توجه
بمطالب یاد شده در بالا صورت گرفته باشد نه بمصلحت ملت ایران بود
و نه بمصلحت مبارزات سیاسی و نه بمصلحت آن سازمانهای سیاسی
که جز این روشی برگزیدند . برای انجام این امر جز هم
آهنگی کامل با خواسته های دهقانان و کارگران و جز با تأیید
قدمهای نخستین که برای تأمین حقوق آنان برداشته شده است
انتخاب راهی دیگر جایز نبود. بنا بر این نه تنها حزب پان ایران نیست
با شرکت در امر تصویب ملی و دادن پاسخ آری دچار هیچ گونه
اشتباه در ارزیابی منافع و مصالح ملی نشده است، بلکه گروه ها
و سازمانهای سیاسی که از شرکت در امر تصویب ملی امتناع نمودند
در ارزیابی وقایع و حوادث اجتماع ما و اتخاذ روشهای خود
دچار اشتباه غیر قابل انکاری گردیده‌اند .

این بود جهات شرکت حزب پان ایران نیست در امر تصویب
ملی و دادن پاسخ آری بطرح های ششگانه .

۴ - چرا حزب پان ایرانیست موافق مشروط است ؟
یکبار دیگر این نکته را باید یادآور شویم که بنظر ما همه
این تلاش و کوشش و همه این بحث و گفتگوها برآستی در باره
درخشان ترین لایحه از لوایح ششگانه یعنی امر تقسیمات ارضی
است .

حزب پان ایرانیست همانطور که از مفاد اعلامیه مورخه
۱۰/۲۷/۴۱ استنباط میگردد لایحه تقسیمات ارضی را تا آنجا
که کار عظیم خلع ید از مالکان بزرگ و در نتیجه پان یک دوران
سیاه و آغاز دوران جدیدی را در زندگی دهقانان ایران نوید
میدهد تأیید میکند . اما در مورد مرحله دوم که اهمیت آن کمتر از
مرحله نخستین نیست و در این مرحله است که نقش سازندگی برای
استقرار نظام دهقان نو پایه ریزی میشود، ما نه تنها مقررات مندرج
در لایحه را کافی و وافی نمیشناسیم، بلکه در بسیاری از جنبه های
اجرائی لایحه تقسیمات ارضی که در واقع پایه گزاری نظام
دهقانی نو خواهد بود ایرادات و اعتراضات بسیار داریم . بهمین
نحو در مورد لوایح پنجگانه دیگر نیز حزب پان ایرانیست
دارای نظرات مثبت انتقادی است و یا به بیان دیگر حزب پان
ایرانیست دارای نظرات تکمیلی بسیار میباشد . نظرات تکمیلی
حزب نسبت به طرح های ششگانه که مورد تصویب ملی واقع
گردید در قسمت دوم این نشریه به تفصیل آمده است که خواننده
عزیز با مطالعه آن قسمت از این نشریه در خواهد یافت که حزب
پان ایرانیست بچه سبب موافق مشروطه میباشد .

اینک این شما و این نظرات کلی حزب پرافتخار ما اگر
شما هم بدون هیچ گونه خود خواهی سیاسی داوری فرمائید
بی شک با ما در تأیید این نظرات تکمیلی هم آهنگ خواهید بود

پاینده ایران

نظرات انتقادی و تکمیلی حزب پان ایرانیست در باره طرح های شش گانه موضوع (تصویب ملی)

بطور کلی در مورد طرح های شش گانه موضوع «تصویب ملی» از دو نظر اجتماعی و اقتصادی میتوان بحث کرد. در این میان طرح اصلاح ارضی هم از نظر اجتماعی و هم از نظر اقتصادی شایان بسی توجه است ولی طرح های دیگر بعضی مانند فروش سهام کارخانه های دولتی از لحاظ اقتصادی مهمتر از جنبه اجتماعی است و بعضی برعکس مانند اصلاح قانون انتخابات بیشتر از نظر اجتماعی قابل بررسی است نه اقتصادی. در زیر در مورد هر یک از طرح ها به بررسی انتقادی میپردازیم. تنها ذکر یک نکته لازم است که ما بر حسب رویه همیشگی حزب پان ایرانیست در بررسی مسائل با انتقاد مثبت اقدام میکنیم یعنی معایب هر طرح را نسبت به طرح تکمیلی و پیشنهادی خود بازگو خواهیم کرد:

۱ - بررسی لایحه اصلاحات ارضی و ملحقات آن

در مورد این قسمت که در حقیقت مهمترین لایحه از لواجیح ششگانه میباشد حزب پان ایرانیست تا کنون بکرات نظر خود را ابراز کرده است. شکل قبلی رابطه اجتماعی در روستاهای ایران، یا آنچه رژیم ارباب ورعیت نامیده شده است، شکلی کهنه و غیر قابل دوام بوده که هرگز با موازین ناسیونالیستی که استوار بر آزادی اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها است، سازگار نبوده است. در آن رژیم امور روستاها در کهنه‌ترین و کم‌ثمرترین شکل ممکن بسود عده ناچیزیکه مالک و ارباب نامیده میشدند گردش داشت و سود جوئی این گروه همراه با تأئید و حمایت سایر گروههاییکه جمعاً هیئت حاکمه ایران را بوجود می‌آوردند، سبب ابقاء رژیم ارباب ورعیتی گشته بود و بر اثر ابقاء این رژیم اکثریت مردم ایران در حال اسارت و تیره روزی بسر میبردند و از سوئی تولید کشاورزی ما نیز بامشغول داشتن هفتاد و پنج درصد از نیروی انسانی ملت ما بهره ناچیز و اندک میداشت.

پس باید گفت آن رابطه اجتماعی روستاییکه در این روزها به رژیم ارباب ورعیت تعبیر میشود دارای دو عیب بزرگ و اساسی بود:

۱ - ثمره کوشش دهقانان ایران عاید خودشان نمیکشت و بجیب گروه اربابها سرازیر میشد و سبب میکشت این گروه که از دسترنج دهقانان ثروتمند و ممتاز گشته بود با سایر گروههای متجاوز اجتماع پیوند یابد و در نتیجه نظام فاسد حاکمه ایران وسائل استقرار نفوذ اجتماعی و سیاسی خود را محفوظ داشته باشد.

۲ - عیب دوم که از لحاظ اقتصاد ملی شایان بسی بوجه است اینست که رژیم کهنه‌ارباب ورعیت سبب میگشت که هفتاد و پنج درصد از جمعیت ، بخاطر تولید کشاورزی ناچیز این کشور (البته نسبت بجمعیتی که آنرا تولید میکنند)، اسیر وسائل کهنه تولید باشند و این اسارت بخش عظیم نیروی انسانی، استعمار اقتصادی را بر ما تحمیل میکرد و ما را از پرداختن بر راههای صنعت که نیازمند نیروی انسانی فعال است باز میداشته و میدارد .

لایحه اصلاحات ارضی که خوشبختانه در قسمت وسیعی از کشور بمنصه عمل درآمد است و آثار اجتماعی آن نیز کم و بیش آشکار گشته متأسفانه تنها ناظر بعیب اول میباشد یعنی سبب میشود که ثمره کار کشاورزان دیگر بحیب ارباب سر ازیر نشود بلکه در جیب خودشان بماند . سبب میشود که یکی از حلقه های شوم و جهنمی هیئت حاکمه ایران شکسته شود و بی شک در سر نشوشت سایر حلقه های فاسد هیئت حاکمه نیز بی اثر نخواهد ماند و از این جهات بخصوص باید گفت اقدامی بسیار لازم است ولی کامل و کافی نیست .

غیر کامل بودن این اقدام از آن جهت است که همه کشاورزان را در وضع مساوی قرار نمیدهد بلکه گروهی از کشاورزان بموجب این لایحه صاحب زمین میشوند ولی گروه دیگر چه بسبب آنکه در املاک خرده مالک کار میکنند و چه بسبب آنکه در املاک وقف هستند و یا رعیت خرده مالکان میباشدند از داشتن زمین بی بهره میمانند حتی با تمهیداتی که بموجب آخرین تصمیمهای دولت بمنظور حل اینگونه مشکلات بعمل آمده است نیز نتوانسته اند لایحه را در حد خود کامل

کند و سبب گردد که همه خانواده های کشاورز در شرایط یکسان دارای زمین گردند .

مهمترین نکته انتقادی اینجا است که باید گفت لایحه اصلاحات ارضی از نظر مقاصد اقتصادی ملی کافی نیست . کافی نیست زیرا از لحاظ اقتصاد ملی راه حلی برای مسئله کشاورزی در مسیر رشد سریع اقتصادی که لازمه استقلال و بقای مامی باشد نشان نداده بلکه در عمل مغایر آن نیز رفتار شده است .

کافی نیست زیرا این تحول اجتماعی همراه يك تحول ایدئولوژیک بنفع آرمانهای ملی نیست و بنیان اندیشیدن اهریمنی هیئت حاکمه را تغییر نمیدهد و چون اساس اندیشه بد که در حکم روح این نظام است معدوم نگشته دیر یا زود در قالبی دیگر تجسم پیدا خواهد کرد و بار دیگر ملت ما را اسیر خواهد ساخت .

ما از همه کسانی که این سطور اخیر را میخوانند تقاضا داریم بجای آنکه این کلمات را که در عرف کوتاه بینان امروز سخت ناشناس است، ناچیز نپندارند و با کمال دقت تنها یکبار بتوضیحات ما توجه کنند، باشد در این دقایق خطیر تصمیم بحقانیت گفته های ما آشنا شوند و ما را برای آشنا کردن گوشهای بیشتری یاری دهند .

کافی نیست زیرا این لایحه حتی متضمن سعادت آینده دهقانان ایرانی نیز نمیشود چه بسا که بعضی طرحهای غلط در رهبری آنان سبب گردد که در آینده بمخاطرات سهمگین دچار شوند و ناگزیر از پرداخت تاوان عمل رهبران امروزی خود گردند .

اینک در مورد عدم کفایت این لایحه برای تحویلیکه انتظار می رود توضیحات بیشتری ارائه میدهم .

برای آنکه اصل انتقاد مثبت را رعایت کرده باشیم بهتر است ابتدا نمودار مختصری از یک طرح اساسی برای رفرم کشاورزی در ایران ترسیم نمائیم و سپس به نقائص کلی لایحه اشاره کنیم .
در یک رفرم اساسی کشاورزی باید سه خط مشی اساسی زیر بموازات یکدیگر در نظر گرفته شوند .

۱ - باید مقدار تولید کشاورزی کنونی را دقیقاً تعیین کرد و استعداد کلی تولید کشاورزی ایران را در صورتیکه بوسائل کامل مکانیزه با استفاده از سدهای مدرن، با رعایت همه دقایق فنی از امکانات طبیعی، بهره برداری گردد، با دقت کافی تخمین زد . تا اینجا دو رقم بدست خواهیم آورد که یکی نماینده وضع موجود و یکی نماینده وضع مطلوب خواهد بود آنگاه باید در یک برنامه ملی، که مدت آن معلوم باشد، مقدار رشد تولید کشاورزی را در هر سال معین ساخت تا از رقم موجود بسوی رقم مطلوب حرکت کنیم .

۲ - باید نسبت درصد جمعیت کشاورز فعلی را نسبت بکل جمعیت تعیین کرد (که میتوان بر حسب قرائن فعلاً آن را در حدود هفتاد و پنج درصد جمعیت ایران دانست) و آنگاه باید با مقایسه پراکندگی جمعیت در کشورهای مترقی و تطبیق آن با مقتضیات ملی و طبیعی ما تعیین کرد که تولید کشاورزی مطلوب ما باید چند درصد از جمعیت را بخود مشغول کند . با توجه باینکه تولید کشاورزی امریکا که مقام اول را در جهان دارد تنها هشت تاد درصد جمعیت را بخود مشغول کرده است میتوان فعلاً بطور مثال آن رقم را همان ده درصد فرض کرد . پس خط مشی اساسی دوم باید معطوف باین امر باشد که در مدت معین در برنامه بتدریج رقم هفتاد و پنج درصد به ده درصد کاهش دهد .

خلاصه آنکه دربرنامه کشاورزی ملی باید تابع این اصل باشیم: «**حد اکثر تولید کشاورزی باحد اقل نیروی انسانی**».

۳ - سومین خط مشی اساسی آنستکه برای جمعیتیکه تدریجاً از چنگال وسائل کهنه روستائی آزاد میشوند، باید در رشته های دیگر اعم از صنعت و خدمات اجتماعی شغل ایجاد کرد و گرنه مکانیزه کردن کشاورزی بی آنکه هم آهنگ با توسعه صنعتی و توسعه خدمات اجتماعی باشد، سبب انتقال جمعیت از روستاها بشهرها خواهد بود و ایجاد بیکاری و عوارض ناشی از آن را خواهد نمود.

پس بطور خلاصه برنامه رفرم ملی، کشاورزی را میتوان در عبارت زیر خلاصه کرد:

حد اکثر تولید کشاورزی باحد اقل نیروی انسانی
و جذب نیروی انسانی آزاد شده روستاها در رشته های
صنعت و خدمات اجتماعی.

حال که نمودار ساده ولی جامعی از چگونگی یک طرح ملی راجع بر فرورم کشاورزی در پیش روی مآقرار دارد، بهتر است آنرا با اقداماتی که تاکنون بعمل آمده است مقایسه کنیم تا عدم کفایت اقدامات کنونی آشکار گردد.

منکر این نکته نیستیم که قبل از خلع ید از مالکین هر نوع برنامه گزاری ملی با منافع آنان تصادم پیدا میکند و در صدمه مانع بر میآمدند و بهمین دلیل بالا یجه تقسیم اراضی این مانع بزرگ از میان برداشته شده است و دیگر آربابان سابق قدرت مقابله با

طرحهای مترقی را ندارند ولی انکار هم نمیتوان کرد که تاکنون هیچ اقدامی برای تحقق يك رفتم اساسی در کشاورزی مطابق تمودار یادشده بالا بعمل نیامده است .

برای اینکه ادعای مامبني بر عدم کفایت طرحهای موجود- برای حل مسئله کشاورزی- ثابت شود بهتر است نتایج اجرای آنرا بنحویکه طراحان آن مدعی هستند در نظر آوریم .
با اجرای لایحه اصلاحات ارضی مالکین بزرگ از بین خواهند رفت ولی کشاورزان بجای خواهند ماند. یعنی هفتاد و پنج درصد از جمعیت مادرست در همان مناطق سابق واسیر همان آلات و ادوات تولید سابق و گرفتار با همان اشکالات و مسائل سابق باقی خواهند ماند و بر مشکلات سابق آنان مشکل چگونگی اداره امور و چگونگی مدارا با شرکتهای تعاونی نیز افزوده خواهد شد .

پاره از مخالفین در این مورد بحربه بدبینی متوسل میشوند و چنین ادعا میکنند که کشاورزان از عهده امور اداری دهات که سابقاً بوسیله مالکین یا مباشرین آنها انجام میشد برنخواهند آمد و نخواهند توانست کالای تولید شده خود را بموقع بمراکز فروش برسانند. ولی ایراد ما این نیست. کشاورزان در صورتیکه بخوبی راهنمایی شوند بطور قطع بر این مشکل فائق خواهند آمد و چنانکه در این مورد شکست بخورند این مسئولیت را دولت باید بعهده گیرد زیرا بدون هیچ تردید وظیفه راهنمایی دهقانان آزاد شده امروز با دولت است و آنها هیچ چاره ای جز آنکه بدولت متوسل شوند ندارند و این دولت است که باید بموقع پول ، وسائل لازم و بذرا در اختیار آنان بگذارد و آنها را باید در بهبود

تولید یاوری کند و نیز در موقع خود سیاست بازرگانی آنان را هدایت نماید .

ولی نکته حساس اینجا است - در صورتیکه در این مورد دولت بخوبی عمل کند و کشاورزان را برآستی هدایت نماید تنها مسئله - حفظ وضع موجود بسوددهقانان - حل شده است و در این صورت ما با هفتاد و پنج درصد جمعیت کشور، کالای کشاورزی تولید کرده ایم که بحکم اجبار قدرت تولید آن ناچیز و راندمان عمل آن: نسبت برشته‌های دیگر تولید، بسیار اندک است . در چنین صورتی بهنگام مبادله بازرگانی خارجی ما اجباراً حاصل کار گروه‌های کثیر از جمعیت میهن خود را با کالاهای صنعتی مورد نیاز که حاصل کار نفرات معدود از کشورهای صنعتی است مبادله خواهیم کرد و در نتیجه بحکم اجبار مغبون شده، همچنان اسیر سیاست استعمار اقتصادی و در زمره کشورهای توسعه نیافته باقی خواهیم ماند .

اگر ما تنها در حصار مرزهای خود بزندگانی اقتصادی مشغول بودیم ، در آن صورت تنها تقسیم اراضی، يك راه حل نهائی و عادلانه بحساب می‌آید ، زیرا اصل بهره‌کشی انسان از انسان از میان میرفت و هر کس هر چه بدست می‌آورد در جیب خودش باقی میماند ولی خوشبختانه یا بدبختانه ما در جهان ملتها بسر می‌بیریم که هیچ کشوری نمیتواند از لحاظ اقتصادی منزوی باشد و در چنین جهانی، زمانی حاصل کار هر کس در جیب خود او باقی میماند که کار کاملی انجام دهد - یعنی در واحد زمان بوسیله کار خود کالائی برابر تولید متوسط افراد کشورهاییکه با آنها مراوده بازرگانی دارد تولید و این امر تحقق نخواهد یافت مگر آنکه کشورهای توسعه نیافته بسوی رشد سریع اقتصادی گام بردارند

و این امر نیز بنوبه خود هرگز در کشوری که هفتاد و پنج درصد از جمعیت آن بهر شکل و صورت مشغول کشاورزی باشند امکان پذیر نخواهد شد .

پس مسئله اصلاح کشاورزی مامسئله - حفظ وضع موجود بسود دهقانان - نیست بلکه مسئله ، تأمین تحول و امکان دگرگونی در کار کشاورزی است ، که هرگز تنها با تقسیم اراضی و تثبیت وضع موجود بسود دهقانان انجام پذیر نخواهد بود .

برای تکمیل لایحه موجود و تأمین شرایط رشد سریع اقتصادی که لازمه حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی مامیباشد ، از همین مرحله لازم است يك دستگاه مجهز دولتی بهر نام که باشد بوجود آید . این دستگاه باید در حکم مغز فرم کشاورزی در چهارچوب شرایط لازم - برای توسعه سریع اقتصادی باشد .

این دستگاه که باید مشخصات يك سازمان امروزی را از لحاظ اصول علمی و اداری دارا باشد ، سازمانی خواهد بود متمرکز و در عین حال وسیع . این سازمان باید در میان تمام روستاهای پراکنده ایران دارای نماینده باشد و این نماینده که نماینده دولت در برده خواهد بود ، باید بوسیله سازمان خود تمام امور موجود ده را از قبیل تعلیمات - بهداشت - راهنمایی فنی و عمرانی و تولیدی - راهنمایی های اعتباری و بازرگانی و غیره در اختیار خود بگیرد و روستاها را در وضع موجود اداره کند در عین حال در مراکز بالای این سازمان باید چگونگی تغییرات لازم کشاورزی طراحی و برنامه ریزی شود و مقتضیات آتی از این مراکز بالا بواحدهای پایینتر تعلیم داده شود و زندگی روستاها را به تدریج ولی بسرعت بسوی زندگی مکانیزه و صنعتی و پرثمر فردا هدایت نماید .

بدون شك مدعیان، بر این طرح اعتراضات بسیار خواهد کرد که ما در همین جا دو اعتراض عمده را طرح میکنیم و بآن جواب میگوئیم:

نخست آن که خواهند گفت ایجاد یک چنین دستگاه وسیع دولتی متضمن مخارج بسیار خواهد بود که با شرایط این کشور و فساد دستگاههای اداری و احتمال سوءاستفادهها تکلیف آن معلوم است.

در جواب میگوئیم حتی اگر فکر توسعه اقتصادی ایران را از سر بیرون کنیم از ایجاد چنین دستگاهی ناگزیریم و این دستگاه خود بخود بوجود خواهد آمد. زیرا دهات پراکنده ایران پس از خلع ید از مالکین نیازمند حلقه‌های ارتباطی است که امور آن را با شهرها و دستگاههای اداری تأمین کند و مأمورین دولتی بنام‌های مختلف مثل مأمورین انتظامی - مأمورین فرهنگ (ولو بصورت معلم سپاه دانش) مأمورین کشاورزی (اعم از مروج - دامپزشک - نماینده بانک کشاورزی) مأمورین وزارت بهداشتی (مثل آبله کوب - بهداشتار) و غیره باده در تماس خواهند بود. بنابراین این دستگاه در حال حاضر بنحو ناقصی وجود دارد و برای بهبود وضع روستائیان وجود آن‌ها در آینده خواه و ناخواه توسعه خواهد یافت. پیشنهاد ما اینست که این نفرات پراکنده و کوششهای متفرق در یک سازمان صحیح تمرکز یابند و اقدامات آنان هم آهنگ شود و در مسیر یک برنامه مترقی و توسعه طلب اقتصادی و ملی قرار گیرد.

اعتراض دومیکه مدعیان بعمل خواهند آورد اینست که وجود شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های آن‌ها را ممکن است برای حصول بمقصدیکه داریم کافی بدانند و چنین ادعا کنند که

در هر ده يك شركت تعاونی بوجود خواهد آمد كه آهونده را اداره خواهد كرد و از اتحاد شركت های تعاونی يك ناحیه اتحادیه ای بوجود خواهد آمد كه امور كشاورزی آن ناحیه را اداره خواهد كرد و از این اتحادیه ها ، اتحادیه بزرگتری ذر سراسر كشور بوجود خواهد آمد كه امور كلی كشاورزی را نظارت و اداره خواهد كرد .

این اعتراض نیز وارد نیست و شركت های تعاونی هر گونه اتحادیه ایكه از ترکیب آنها بوجود آید نمیتواند جانشین دستگاهی باشد كه ما وجود آنرا بمنزله مغز تحول كشاورزی ایران لازم دانستیم . اصل منظوریكه از تشكيل شركت تعاونی هست ، اینستكه شركت تعاونی بتواند جانشین مالك یا مباحث باشد و امور ده را در وضع موجود اداره كند و چنین شركتی پس از طی مدتی برای منظور ایجاد خود تناسبی پیدا خواهد كرد ولی چون همانگونه كه یاد آور شدیم این تحول اجتماعی یعنی الغاء رژیم ارباب و رعیت بايك تحول فكري ایدئولوژيك همراه نیست بنا بر این اصول فكري مالك بجا نشینان آنان یعنی رعایای سابق و دهقانان امروز انتقال پیدا خواهد كرد . یعنی سابق مالك برای تأمین منافع خود حدود دید خود را بمرزهای ده محدود میکرد و منافع خود را در حفظ موجودیت و حتی وضع موجود آن جستجو میکرد و آنوقت بعد از الغاء رژیم ارباب و رعیت این طرز فكر ، میراث دهقانان میشود و آنها برای تأمین منافع خود فقط موجودیت ده و حتی وضع موجود ده را لازم خواهند شمرد و این خواسته در شركت های تعاونی تمرکز خواهد یافت و شركت های تعاونی مظهر بقای وضع موجود خواهد شد .

بمبارت دیگرش کتهای تعاونی بیش از آنکه نماینده تحول
جامعه روستائی باشند مظهر ثبات آن میباشند و چه بسا اگر این
سیستم تعاونی که سرچشمه گرفته از واحدده میباشد تکامل یابد بجای آنکه
عامل مساعدی در راه رشد اقتصادی باشد عامل نامساعدی در راه
آن بشمار رود. زیرا این سیستم بمقتضای فلسفه وجودی خود
نمیواند ضامن تحولات لازم باشد. چه، اولین هدف آن حفظ منافع
طبقاتی هفتاد و پنج درصد دهقانان است و برای دفاع از منافع
طبقاتی این هفتاد و پنج درصد باید ابتدا در حفظ موجودیت خود
بکوشد یعنی هفتاد و پنج درصد را همیشه لااقل همان هفتاد و پنج
درصد نگهدارد و این درست مغایر اولین اصل رشد اقتصادی است
که باید هر چه زودتر این هفتاد و پنج درصد را بدهد.

جامعه دهقانان ایران را نه فقط باید تشکیل
داد بلکه باید داری هدف ساخت. هر دهقانی باید
بداند که برای ابد دهقان آفریده نشده است و نسل در
نسل محکوم بادامه زندگانی روستائی نیست. باید
بداند که او نیز قبل از آنکه دهقان باشد ایرانی است
و قبل از آنکه عضو جامعه دهقانی باشد فردی از پیکر
حیاتی ملت ایران است. دهقان نباید آخرین هدفش دفاع
از منافع جامعه روستائی باشد و تنها آرزو کند که
جامعه روستائی برای همیشه باقی بماند بلکه دهقان باید
بداند که منظور از کار و کوشش او بقای ملت ایران است.

امروز لازم است برای بقای ملت در روستاها خدمت کند و فردا در هر کجا که بتواند وجودش مفیدتر و بارآورتر باشد باید بخدمت قیام کند .

اکنون که اجتماع مادرآستانه يك مرحله تحول است باید راه درست را انتخاب کرد . پراکندگی جمعیت در ایران و مشکل جامعه روستائی ایران زائیده تیره روزیهای گذشته ملت ما میباشد و هر کوشش بهر شکل که برای ابقای این شکل و ثابت نگهداشتن این جمعیت روستائی بعمل آید مغایر توسعه و رشد اقتصادی مامیباشد . خواه عامل این تثبیت وضع مالکین فرسوده سابق باشد خواه گروه و دسته دیگری که قائل بحفظ منافع طبقاتی، درقبال مصالح ملی، باشند .

راهی که ما پیشنهاد می کنیم اینست که ابتدا باید مرکزی بوجود آید تا بمصالح ملی و مقتضیات توسعه اقتصادی ملت ما بیاندهد و سپس يك سیاست ثابت اقتصادی و کشاورزی اتخاذ گردد و این سیاست بوسیله سازمان وسیعی که همه دهقانان و حتی سازمانهای تعاونی آنها را دربرگیرد در سراسر کشور اعمال گردد تا هم منافع و رفاه دهقانان آزاد شده امروز و هم فضای حیاتی دهقانان نسلهای آینده تأمین گردد .

بعبارت دیگر سیاست اصلاح کشاورزی باید از مراکز بالا که یکجا بمصالح ملی میاندهد اتخاذ شود و از طریق تعلیم و ارشاد و رهبری همه کادرهای پائین و واحدهای کوچک را بحرکت آورد . در صورتیکه سیاست اجرائی دولت اکنون درست درجهت عکس قرار گرفته است یعنی میخواهد ابتدا واحدهای ده را

مجهز کند. سیاست کلی را از ترکیب خواسته‌های واحدهای کوچک بدست آورد.

ما امروز با عنوان کردن این پیشنهادهای مثبت باصراحت اعلام می‌کنیم، که اگر در صدد راهنمایی دهقانان در مسیر رشد اقتصادی که متناسب با سیاست ناسیونالیستی است اقدام نشود در آینده نزدیک با مشکلات بسیار دست بگریبان خواهیم بود. اگر نیروی دهقانان بخلط و در راه حفظ وضع موجود تجهیز شود، دیر یازود اقتصادی زمان و نیاز ملی ما را بر آن خواهد داشت که بر ضد فرم کهنه زندگی دهقانان اقدام کنیم و چه بسا که این اقدام با مقاومت سازمانهای دهقانی مواجه شود و مناظری شبیه سرکوبی کولاکهای روسیه و یا تحولاتی نظیر آنچه بر کابینه عدنان مندرس در ترکیه گذشت در این کشور نیز بروز کند.

امر تحول اقتصاد کشاورزی را در ایران نباید مسئله ساده پنداشت و در این راه تنها هدف نباید خوشحال ساختن دهقان کنونی باشد، بلکه از هم اکنون باید دهقانان را بفرسایش آشنا ساخت و راه زندگی در جامعه فردار، فراروی آنان نهاد و طریقه جدید بهره برداری را هر چند باروش قطعه قطعه کردن زمین که خواسته ابتدائی دهقانان است هم آهنگ نباشد، بدانان آموخت و از هم اکنون باید مانع گشت که جامعه دهقانی بیک طبقه کهنه اجتماع بدل شود و در برابر تحولات آینده نقش ارتجاعی بازی کند.

دهقار. **ایران!** کار و لئز این نظر که برادران کارگر ما
شما نه تنها باید **آسودگی و رفاه آنان** خواسته اند فکری
باید فرزندان شمار خوشبخت کند **و باید اطلاع داشت**
زندگانی سرافراز و **بند بدهد. اگر شما تنها**
باینکه صاحب زمین شده، **بخوش باشید** لازم
خود را فقط کمی بهتر از امروز **بد و حاصل بردارید**
زندگانی شما کمی بهتر خواهد **بی فرزندان**
از قافله روزگار عقب خواهند **فرزندان**
نخواهند شد. شما باید بخواهید که در **صحیح**
بهره برداری از آب و زمین و نیروی بازاری شما را
بشما تعلیم دهد، دهات شما را با سازمان جدید علمی
مجهز کند و رفاه شما را در سطح زندگانی امروزی
جهان فراهم آورد و برای فرزندان برومند شما فضای
زندگانی تدارک کند.

زندگانی بشکل کهنه و در واحدهای کوچک همانگونه که
بمنفعه اربابهای سابق نبود بمنفعه شما هم نیست. تنها يك دولت
بیدار و ملی است که میتواند با سیاست صحیح از نیروی فعالیت
شما بکمك يك سازمان صحیح، رفاه نسل کنونی و فضای حیاتی
نسل آینده را تأمین نماید.

این بود دلائل مادر مورد عدم کفایت لایحه اصلاحات ارضی
برای يك دگرگونی کامل کشاورزی و این بود راهنمایی ما برای

بیت: ایجاد يك طرح كامل و تحول کشاورزی که متضمن رشد سریع و بی
خطر اقتصاد ملی ایران باشد .

۲ - در مورد ملی شدن جنگلها

این اصل، که چون جنگلها يك سرمایه طبیعی ملی است باید
بوسیله دولت و بفتح همگان از آن بهره برداری شود کاملاً صحیح
است . تا کنون هم قوانین ناظر بهمین اصل وضع شده بود، الا آنکه
پاره ای از استفاده طلبان بکمک مأمورین دولت سوء تعبیرهای
بعمل آورده و از سرمایه ملی بفتح شخصی خود سود برده بودند .
داستان سوء استفاده از جنگلها - جواز فروشیها معروف تر از
آنست که بخواهیم بدان اشاره کنیم .

قریب یازده سال پیش مادرمورد جنگلهای ایران
اسنادی منتشر ساختیم و در آن اشاره کردیم که چگونه
يك سیاست استعماری بکمک عوامل خود سالهاست
آزراه تباه کردن جنگلها در ویرانی ایران کوشیده است .
مسئولیت ویرانیهای جنگلهای ایران تا کنون مستقیماً
بعهده دولتها بوده است و ما با تصریح ملی شدن جنگلها موافقیم زیرا
که مسئولیت را صریح تر و دقیقتر متوجه دولت میسازد . ولی امید
ما آنست که لایحه ملی شدن جنگلها امری عبث و تحصیل حاصل
نباشد، بلکه سرآغاز فصلی باشد که دولتها بجای آنکه بغارت
جنگلها و جواز فروشی و ساختن کلاهای قانونی برای سوء استفاده
پردازند، بنگهداری و استفاده علمی از جنگلها اقدام کنند و قدر
و قیمت این سرمایه زاینده و طبیعی را بهمگان آشکار سازند و
بیاورند .

در مورد این لایحه فقط از این نظر که برادران کارگر ما مورد توجه قرار گرفته‌اند و برای رفاه آنان خواسته‌اند فکری بکنند خوشحالیم ولی متأسفانه با کمال صراحت باید اعلام داشت که این لایحه را نمیتوان بدلائل زیریک اقدام اساسی تلاقی کرد.

۱- فوائد ناشی از اجرای این لایحه عمومیت ندارد زیرا همه کارخانه‌ها انتفاعی نیستند که بتوان قسمتی از سود آنرا بکارگران اختصاص داد. توضیحاتیکه مقامات مسئول برای رفع این نقیصه داده‌اند باین طریق که پس از آنکه عواید گروهی از کارگران بر اثر اختصاص بخشی از سود اضافه گردید، بزمزدا سایر کارگران نیز بهمان میزان خواهیم افزود، مفهوم این لایحه را بکلی دگرگون میکند و در آخرین تحلیل باید گفت نتیجه اجرای این لایحه، فقط افزایش میزان مزد خواهد بود

۲- نتایجی که بر این افزایش مزد مترتب است بطود اختصاص بدین قرار است :

الف- در صورتیکه برابر افزایش مزد که تقریباً بیستدر صد سود در نظر گرفته شده است سطح استحصال بالا نرود، کیفیت تورمی بوجود خواهد آمد و بهای اجناس ترقی خواهد کرد

ب- با قرار گرفتن بیستدرصد از سود در دست کارگران باین نسبت بقدرت خرید آنان افزوده خواهد شد که بنسبت نامعلومی صرف خرید کالاهای مصرفی روستائی و کالاهای مصرفی وارداتی خواهد گشت چون احتمال قوی آنست که کارگران با این وجه اضافی بیشتر بخرید کالاهای مصرفی وارداتی اقدام کنند نتیجه آنست که مامصرف را بضرر رشد اقتصادی هدایت کرده‌ایم، یعنی بخشی

از درآمد قابل سرمایه گذاری را بسوی مصرف راهنمایی کرده ایم
۳- چون طریقه افزایش مز دیا با اصطلاح سهم کردن کارگران
در سود بطور دقیق تعیین نشده است این احتمال باقی است که در
بعضی از سیستم های کهنه، کارفرمایان از سیستم کارمزداستفاده کنند و
این وجه اضافی را در برابر افزایش ساعات کار پیش از حد
قانونی در اختیار کارگران بگذارند و با اصطلاح استنادار د کار را
بزیان کارگران تغییر دهند .

۴- گویانکه این لایحه با ابهاماتی که دارد بزیان کارفرمایان
نیست ولی بطور کلی در کشوری مثل ایران که رشد اقتصادی آن
مستلزم امکانات لازم برای سرمایه گذاری است، گذراندن لویحی
از این قبیل که قوی ترین جنبه آن دلخوش کردن موقتی کارگران
است ، اقدام مساعدی از جهت تشویق سرمایه گذاری نیست و
حالت روحی خاصی که در جامعه ایجاد میکند تا مدتی افزایش
سرمایه گذاری را کند مینماید، چنان که اکنون نیز نطقها و توضیحات
بعضی از مسئولان امر ناظر بهمین نگرانی است .
پیشنهاد ما در این مورد برای برای مفید ساختن این لایحه و

تکمیل نتایج آن مبنی بر ایجاد هر چه سریعتر یک بورس صنعتی

دولتی است .

این بورس صنعتی که یک دستگاه رهبری مرکزی صنایع
ایران بشمار خواهد رفت، سرمایه اولیه اش از طریق ارزیابی کلیه
واحد های صنعتی کشور (اعم از دولتی - خصوصی و مختلط)
تأمین خواهد شد، و این بورس مرکز مؤثری برای تأسیس اعتبارات
صنعتی خواهد گردید و مدیران صنایع خواهد توانست در موقع

لزوم برای توسعه کارخانه‌های خود مقداری از سهام کارخانه را در اختیار بورس بگذارند و تحصیل اعتبار بنمایند. با این سیستم وسیله مطمئنی برای جلوگیری از ایجاد اعتبارات واهی که خطرات آن از لحاظ اقتصادی بر هیچکس پوشیده نیست بوجود خواهد آمد.

برای این بورس صنعتی سهام ارزان قیمتی میتوان در نظر گرفت که در خرید آن کارگران حق تقدم داشته باشند و پیشنهادها آنست که آنچه پول از بابت سهم کردن کارگران در سود کارگاهها باید بکارگران پرداخت شود بصورت نقد داده نشود، بلکه از سهام بورس صنعتی در اختیار آنان گذارده شود.

باین ترتیب این لایحه که اکنون نمیتوان آنرا اقدامی اساسی دانست بیک قدم بسیار اساسی در راه توسعه اقتصادی ایران تبدیل خواهد شد. کارگران چیزی از دست نخواهند داد چه میتوانند سهام خود را در صورتیکه بپول احتیاج داشته باشند ببورس صنعتی دولتی بفروشند و اگر احتیاج نداشته باشند آنرا در راه رشد صنعت میهن خود پس انداز کنند و از منافع آتی آن برخوردار گردند.

خلاصه آنکه با ایجاد بورس صنعتی ما بجای آنکه مصرف را تشویق کرده باشیم پس انداز و سرمایه گذاری صنعتی را تشویق و هدایت کرده ایم و وسیله مطمئنی پدید آورده ایم تا نیروهای زحمتکش ایران زمین بتوانند از برکت همت و پشتکار خود بتدریج در سرمایه صنعتی کشور سهم شوند و ایدآل مالکیت همه خانواده‌ها بر کلیه سرمایه‌های ملی تحقق یابد.

۴ - فروش سهام کارخانه‌های دولتی برای تأمین پشتوانه

اصلاحات ارضی

با عنوان کردن بورس صنعتی دولتی نظریکه میتوانیم نسبت
بلايحه فروش کارخانه داشته باشیم روشن است. فروش کارخانه‌های
دولتی بدون آنکه تشکیلات متمرکزی برای اداره آنها بوجود
آید که بورس سهام را منضم بخود داشته باشد اقدامی عبث و بی-
معنی است .

ما هرگز عقیده نداریم که دولت کارخانه هائیرا که در
اختیار دارد بفروشد ولی با فروش سهام آنها موافق هستیم .

بطور کلی ما عقیده داریم که مالکیت بمفهوم
مترقی خود نمیتواند چه در واحدهای صنعتی و چه در
واحدهای کشاورزی متضمن مفهوم حق بهره برداری
مطلق باشد . بلکه حق بهره برداری باید از حق مالکیت
تفکیک شود . نحوه بهره برداری واحدهای تولید
نباید بوسیله مالکین آنها و فقط بر حسب استعداد
و سودجوئی آنان تعیین گردد بلکه بطور کلی نحوه
بهره برداری باید بوسیله دولت و بخاطر تأمین مصالح
ملت تعیین شود .

این اصل در هر واحد تولید بین مالک و اداره کننده افتراق
ایجاد میکند . اگر فروش کارخانه‌ها به پیروی از این اصل باشد
بنظر ماعین صواب است یعنی گویانکه سهام آن بخریداران سهم
انتقال پیدا میکند ولی کارخانه از اختیار دولت خارج نمیشود و
بوسیله دولت بهره برداری میشود .

اما چنانکه از توضیحات قبلی ما برمیآید فروش سهام کارخانه‌ها بدون ایجاد یک بورس دولتی بطور مفید امکان پذیر نیست و اکنون که سازمانی برای تمرکز بهره برداری کارخانه‌ها در نظر گرفته شده است بهتر است آنرا تا حد یک بورس صنعتی دولتی تکمیل کنند و از این راه مقدمات یک اقدام بزرگ و اساسی در راه تجهیز اعتبارات و سرمایه‌های ملی، امکان مالکیت همه خانواده بر همه سرمایه‌های ملی را فراهم سازند.

۵ - سپاه دانش

ما بالا یحده سپاه دانش موافقیم اما اقدام باین عمل و اعمال مشابه لازم دیگر مدتهاست که دیر شده است. خلاصه پیشنهاد تکمیلی ما در این مورد آنست که باید بطور کلی در قانون نظام وظیفه تجدید نظر شود.

مدت خدمت نظام وظیفه عملاً بدو بخش تقسیم میشود: تعلیمات که از چهار تا نه ماه است و بخش خدمات نظامیکه بقیه مدت خدمت نظام وظیفه را تشکیل میدهد.

بر نامه تعلیمات نظامی را که هدف آن از نظر کلی ایجاد روح انضباط و قراردادن فرد در واحد اجتماعی و ملی است و از نظر اختصاصی آشنائی بمقدمات فنون نظامی است، باید در برنامه مدارس قرارداد، تاهر فارغ التحصیلی از هر رشته که هست اعم از زن و مرد نسبت به آن آشنائی پیدا کند و این برنامه را با افزودن چند دوره تعلیمات در اردوی تابستانی میتوان برای کلیه دانش آموزان و دانشجویان بخوبی تأمین کرد.

بخش خدمت نظام وظیفه را باید یکباره تغییر نام و منظور داد و آنرا بخدمات اجتماعی وظیفه

تبدیل نمود .

ملت ما برای جبران عقب ماندگی خود نیازمند بیک سلسله خدمات درزمینه های فرهنگی - بهداشتی عمرانی و غیره میباشد که نمیتوان انتظار داشت که همه خدمات بوسیله استخدام معمولی تأمین شود ناگزیر جوانان ایران زمین از زن و مرد باید کمر همت بر بندند و مدتی از عمر خود را بعنوان خدمت وظیفه در راه ایفای اینگونه خدمات اجتماعی مصرف نمایند .

بنابراین ما عقیده داریم در قانون نظام وظیفه تجدید نظر شود و آنرا بصورت قانون خدمات اجتماعی وظیفه تغییر دهند و غیر از خدمات نظامی که بمنظور دفاع کشور لازم است شعب خدمات فرهنگی مثل سپاه دانش - خدمات بهداشتی - خدمات عمرانی روستائی و عمرانی شهری - راهسازی و غیره بآن افزود شود و کلیه جوانان بدون آنکه مقررات معافیت مسخره امر و زنی که وسیله اخاذی و رشوه خواری و رواج تبعیض است در آن وجود داشته باشد بر حسب استعداد شان برسته های مختلف آن تقسیم شوند تا این آب و خاک خدائی به برکت کوشش و همت سازمان یافته جوانان با سرعت هر چه بیشتر عقب ماندگی خود را جبران کنند .

کدام برنامه میتواند با برنامه چنین بسیج عظیم نیروهای انسانی در ایران همسنگ باشد و وسائل رهایی نسلی سیمای جوانان را از خطرات بی بندوباری فراهم آورد ؟

۶ - اصلاح قانون انتخابات

در این مورد نه‌مانه هیچ کس نمیتواند نظر خود را نسبت بجزئیات لایحه بیان کند زیرا درحقیقت لایحه خاصی مورد بحث نیست .

اما نظر کلی مادر مورد انتخابات چنین است .

پارلمان باید هر چه زودتر گشوده گردد زیرا پارلمان برای ملت مایک ضرورت اجتماعی و قانونی است و بدون وجود پارلمان نه تنها موضوع نظارت مستقیم و قانونی ملت ایران بر امور و حوادثی که در مملکت میگذرد تأمین نمیگردد، بلکه از نظر برقراری روابط بین‌المللی و ارتباط با ملل دیگر اشکالات اساسی را که از این راه بوجود آمده و خواهد آمد نمیتوان از نظر دور داشت .

اما پارلمان تنها بوسیله قانون انتخابات اصلاح نمیشود . پارلمان مظهر ترکیب نیروهای موثر و حاکم بر اجتماع است - پارلمان چون مشتمل نمونه خروار است - پارلمان نموداری از چگونگی روابط اجتماعی و نظام فکری حاکم بر اجتماع میباشد . بنابراین پارلمان از داخل آن اصلاح نخواهد شد . اصلاح پارلمان مستلزم انجام یک سلسله اصلاحات عمیق اجتماعی است .

منکر نمیتوان شد که اگر اعمال نفوذ سازمان‌های دولتی چون ادوار پیشین فعالیت‌های انتخاباتی را در بر نگیرد، پارلمان آینده ایران نسبت بمجالس قبلی اصلاح شده تر خواهد بود زیرا ملاکین بزرگ و اربابان سابق که همیشه چهره‌های اصلی مجالس ایران بشمار میرفتند و کراهت سیاسی خود را به پارلمان ایران میبخشیدند دیگر پیرامان آینده راه نخواهند یافت .

امانتها این تغییر کافی نیست . اصلاح پارلمان محتاج يك انقلاب فکری دره سیرناسیونالیسم ایران است . تازمانی که منافع شخصی برتر از مصلحت ملت وجود دارد ، تازمانیکه منافع طبقاتی و صنفی برتر از مصالح ملی وجود دارد پارلمان صحنه‌ای از نمایش اغراض شخصی و اختلافات طبقاتی خواهد بود و آنزمان که همه افراد این ملت از برکت شناخت آرمانهای ملی، مصالح ملی را برتر از هر نفع طلبی دیگری دانستند، پارلمان ایران خود بخود اصلاح خواهد شد .

سیاست هیئت حاکم تاکنون بدنبال سودجویی گروههای فاسد ترکیب کننده آن، معطوف بجلوگیری از هر گونه بارقه ملت خواهی و ناسیونالیسم بوده است و بهمین دلیل مجلس ایران نیز که پایگاه عوامل هیئت حاکمه میبوده است راهی برای رشد روح ناسیونالیسم این ملت باقی نگذاشته است .

اکنون نیز بیهوده نباید برای اصلاح پارلمان بسراغ قانون انتخابات رفت بلکه باید سیاست کلی را دگرگون کرد و بآرمانهای ملی عرضه تظاهر و پیشرفت داد . در عرصه سیاست برای آنان که بمصالح ملی میاندیشند راه باز کرد ، از توسل بسیاستهای شخصی و طبقاتی دوری جست تا نیروهای خفته ملی بیدار شوند و بر جامعه حکومت یابند و پارلمان ما نیز مظهر اراده ملت ما گردد . پس راه اصلاح انتخابات چنین خواهد بود .

گرایش بطرحهاییکه بمقتضای ناسیونالیسم ایران اختیار شده باشند .

تغییر سیاست پلیس سیاسی که تاکنون بخاطر حفظ منافع
هیئت حاکمه همگان را محکوم بسکوتی مرگبار ساخته بود و هر
چند یک بهانه از رشد افکار ملی و تشکیل گروههای سیاسی
جلوگیری میکرد .

اجتناب از گرایش به نهضت‌های طبقاتی که بر اساس روح
سودجویی یک طبقه یا صنف در خلاف جهت مصالح ملی تنظیم
یافته است .

متأسفانه روح قطعنامه کنگره دهقانان از بلیه گرایش بمنافع
طبقاتی پاك نماند و در آن قطعنامه حفظ منافع طبقاتی تجویز
شده است و با محکوم کردن کوشش‌های سیاسی در روستاها امکان
آشنا ساختن دهقانان را سیاست ملی محدود ساخته اند .

* ❦ *

این بود تحلیلی که در نهایت اقتضای از لواجی ششگانه بعمل
آوردیم و خلاصه از پیشنهادهای مثبت خود را در پایان بازگو
میکنیم و بدین بحث پایان میدهم :

- ۱ - ایجاد یک مرکز مجهز برای هدایت سیاست رفرفر
کشاورزی که هدف اصلی زیر را تعقیب نماید. ایجاد حداکثر تولید
کشاورزی بامشغول داشتن حداقل نیروی انسانی و جذب مازاد
نیروی انسانی روستاها در واحدهای صنعتی و خدمات اجتماعی
- ۲ ایجاد بورس صنعتی دولتی و واگذار کردن سهام
این بورس بکارگران درازاء وجهی که باید بابت سهم کردن
کارگران در سود کارگاهها بآنان پرداخت شود . تقدم کارگران
در خرید سهام بورس صنعتی

نسل جوان

ارکان سازمان جوانان حزب پان ایرانیست

نشریه پلی کپی - هر ۱۵ روز یکبار

منتشر میشود

ناسیونالیسم

ارگان دانشجویان پان ایرانیست

مقیم خارج از کشور نشریه

ماهانه دانشجویان حزب پان

ایرانیست مقیم خارج از کشور

ان دوسروں کے ہمیں
میں سے

۵۰

از پادشاهان

نامشروع
از تمام دانشمندان جهان از هر
مذاهب خارج از کشور
مأهله و دانشمندان
هر ایست معلوم خارج از کشور